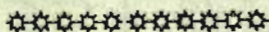


تفسیر قرآن چیست؟



فرق میان تفسیر و تأویل - انواع تفسیرها - نوازما به تفسیر

تأویل در شهورترین معانی لغوی خود، معنایی مرادف تفسیر دارد. صاحب قاموس تأویل رادرف معانی «تدبیر» و اندازه گیری و بالاخره «تفسیر کلام» آورده است (۲) و در آیات بسیاری از قرآن این لفظ در معنای بیان و کشف و ایضاح آمده است که از جمله در آیه شریفه: «فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما نشابه منه ابتغاء الضلئنه و ابتغاء تأویلہ و ما یعلم تأویلہ الا الله» (۳) می باشد.

اما تأویل در اصطلاح مفسران مورد اختلاف فراوان قرار گرفته است برخی آنرا مرادف و تفسیر

تفسیر در لغت معنای توضیح و تبیین است و ظاهراً منظور از «تفسیر» در آیه شریفه «ولا یأ تو تک بفعل الاجشمالک بالحق و احسن تفسیر آ» (۱) همین معنا باشد. ولی تفسیر در اصطلاح عیسارت است از؛ علیکه از آیات قرآن کریم از جهت دلالت آنها بر مراد پروردگاره تعال، به اندازه قدرت بشری در آن بحث می شود.

البته برای تفسیر اصطلاحی معانی و تعبیرهای دیگری هم شناساست ولی جامعترین تعریف همان بود که ذکر شد ...

تأویل

۱ - فرقان ۲۳: و ترا به مثلی نیارند بجز آنکه حق و نکوتر تفسیری بیاریم .

۲ - اول الکلام تاویلایا ... : دبره و قدده و فسره .

۳ - آل عمران ۷: پس آناسکه در دلهاشان کجی است پیروی کنند آنچه «تشابهاه است از قرآن ازهی فتنه جوئی و ازهی تأویل آن و حال آنکه ببنداند تأویل آنرا جرح خدا ...

گرفتند نشینی ساوی میان این دو کلمه قائل شده اند
و این معنی میان مفسران پیشین شایع بود تا آنجا
که در کتابهای خود گاه گاه بجای کلمه تفسیر لفظ
تأویل را نگارند برده اند .

بمعنی لفظ تفسیر را اعم از تأویل گرفته و چنین
پنداشته که گویند تفسیر یعنی بیان مفهوم و مدلول
لفظ خواه از طریق تبادر قیاسه شود یا بر آن ولی
تأویل یعنی معنای لفظ است از غیر طریق تبادر
عده ای دیگر اساساً «تفسیر» را بیانی تأویل
پنداشته و چنین گفته اند که تفسیر قطع به مفهوم
مورد نظر است ولی تأویل ترجیح یکی از احتمالات
است بدون قطع و یا تفسیر یعنی بیان لفظ از طریق
روایت و تأویل یعنی بیان لفظ از راه روایت و با تفسیر
عبارت است از بیان مفهومی که از وسیع لفظ استفاده
می شود و تأویل عبارت است از بیان معنایی که با
اشاره و از راه درون و اشراق بدست آید .

اما با توجه به جمیع موارد اختلافات و دلالت کلمه
تأویل در قرآن و احادیث بعید نیست که گفته شود
هیچگونه تفاوت میان آن و کلمه تفسیر نیست .

دو نوع تفسیر داریم :

یک نوع تفسیر اجمالی ، تفسیر جامد و خشک که
از حدود حل الفاظ و اعراب جمله ها و بیان بکنه های
الفاظی و اشارات فنی تجاوز نمی کند .

نوع دیگر که از این محدوده گذشته و در سطحی
بالا هدایت الهی و تاملیم قرآن را مورد بیان و بررسی
قرآنی دهد بدینگونه که دلها را منجوس سازد و نفوس
را به هدایت الهی رهنمون باشد و این قسم سزاوارتر

مکتب اسلام

است که نام تفسیر بر آن نهاده شود .
نماز به تفسیر :

چنین است که عمل به نمازیم قرآن امکان پذیر
نخواهد بود مگر پس از تفسیر و فهم درک معانی آن ؛
و این حاصل نمی گردد بجز از راه کشف مدلول الفاظ
قرآن ... پس تفسیر کلمه گنجها و ذخایری است
که مستحق قرآن کریم و تشکیل دهنده و راسخ اصلاح
بشر و نجات نوده و خلقت جهان نازل شده است .
هر چند که در الفاظ قرآن دقت شود و بر عمق وجوه ،
آیات آن مزارع بار بار قرائت گردد ولی بدون تفسیر
نمی توان به چنان سرمایه ها و ذخایری دست یافت .
و از همین رو است که مسلمانان جهان با وجود
کثرت حسیت و وسعت سرزمین و در دست داشتن
قرآن و قرائت و حفظ آن ، در چنین عقب ماندگی
روح آلودی بسر می برند و حال آنکه پیشینیان آنان
با وجود کمی عدد بوسیله همین قرآن به چنان
پیروزی شگفتی نائل آمدند که موجب اعجاب تاریخ
و مورخان گردید .

آنهار آنهار را میزدند کمی خود یافتند و تمام
نیروهای خود را در استخراج گنجهای آن بکار
بردند . و همانند قرائت و حفظ قرآن در آن تفسیر و
تنگر نمودند و به چنان فرخندگی و شکوه عظیمی
رسیدند .

پس فایده تفسیر عبارت است از شناخت کامل
هدایات الهی در اعتقادات ، عبادات ، معاملات و
اخلاق و در کلیه شؤون و مسائل زندگی و تپا به آن
در واقع همان نیاید انسان به آگاهی نسبت به راه حق
و سعادت است .

سیوطی در بیان فایده تفسیر قرآن می نویسد :
«قرآن در زمان سیهترین نفس عرب نازل گردید
و مردمان زمان نزول احکام و طوهر آن را نمی
فهمیدند ، اما دقائق باطن آن برای آنها آشکار
نمی گردید مگر پس از بحث و دقت و سؤال از پیامبر
اکرم (ص) ...
ملاشکایبکه آیه شریفه والذین آمنوا ولم

یلسوا ایمانهم یظلم . (۱) نازل گردید
عده ای از رسول خدا (ص) سؤال کردند : کدام یک از ما
به خود ستم نمی کند ؟ که پیامبر در پاسخ آنها «ظلم»
در آیه را به «شرك» تفسیر نمود و استدلال فرمود
به آیه «ان الشرك لظلم عظیم» (۲) و شرك
و ستم یعنی ستم کردن کسی است .
(دیهاله دارد)

دقت در امور جزئی کلید کشف حقایق است

متفکران بزرگان این اختصاص را دارند که هیچ مطلبی را بیهوده
و نامربوط نمی انگارند و به هیچ موضوعی سرسری نمی نگرند و از
مسائل و نمودهای بسیار ساده و عادی در سهای بزرگی می گیرند چه بسیارند
اشخاصی که حس کرده اند به نشان در آب سمک میشود یا سبزی از درخت
سقوط میکند

یا چل چراغی در بالای سرشان به توج در می آید

اما فقط «ارشمیدس» پیدا میشود که از آن اصول تعادل مایعات را
نتیجه بگیرد و تنها «نیوتون» می تواند قانون جاذبه عمومی را کشف کند
و فقط «گالیله» بود که قانون سقوط اجسام را از روی آن بدست آورد .

تاریخ علوم صفحه ۱۸۸

۱ - انعام ۸۲ : کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان راستی نباشدند .
۲ - اتمان ۱۳